



خانه احزاب

نیازمند تحول ساختاری

انتظار داشتیم خانه احزاب خاکریز مقاومت نظام

مقالی استیکار باشد

۱۰

دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۱ | ۲۵ دی‌ال‌ج‌هه ۱۴۳۴ | سال سی‌ام | شماره ۸۵۱

همیشه یک جامعه



عکس همشهری /سانا عکال

تراژدی کودکان معلول و بیمار بدون سرپرست

مدیر کل امور کودکان و نوجوانان بهزیستی می‌گوید: هزار کودک با شرایط خاص در بهزیستی نگهداری می‌شوند و تقاضا برای فرزندخواندگی آنها کم است

گزارش

زهرا جعفرزاده

روزنامه‌نگار

هفته گذشته بود که سازمان بهزیستی، فراخوانی برای سرپرستی تعدادی از کودکان کاش داد؛ کودکان دارای معلولیت و بیماری که گفته می‌شود تقاضا برای سرپرستی‌شان پایین است. هر سال حدود ۲هزار کودک فرزندخوانده می‌شوند.

کودکان سالم زیر ۲سال از اقبال فراوانی مواجه‌اند و سایر کودکان، شانس کمتری دارند. رئیس پیشین سازمان بهزیستی اعلام کرده بود که سالانه ۲۹ تا ۳۵هزار کودک دارای معلولیت در ایران به دنیا می‌آیند که نیمی از آنها اختلالات ژنتیک دارند. تعداد زیادی از ایسن کودکان زها شده‌اند، آنها در خانواده‌های آسیب‌دیده به دنیا آمده‌اند، گوشه یک مرکز درمانی یا یک مکان زیارتی، پیدا شده‌اند و در نهایت سر از بهزیستی درآورده‌اند. براساس اعلام سازمان بهزیستی تعداد این کودکان هم‌اکنون هزار کودک است؛ کودکی که شرایط خاص دارند، یا دارای معلولیت‌اند یا بیمار و در مراکز شبه خانواده بهزیستی زندگی می‌کنند. اما فرزندخواندگی این کودکان در ۱سال گذشته، تنها ۵۰۰مورد بوده است و حالا با افزایش تعدادشان، بهزیستی فراخوانی داده است؛ فراخوانی که البته از سوسی افراد فعال در این حوزه، مورد انتقاد است.

وجود هزار کودک و نوجوان دارای معلولیت و بیمار بدون سرپرست

سعید بابایی، مدیر کل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور است و درباره این فراخوان توضیح بیشتری می‌دهد. او به همشهری می‌گوید هر سال حدود ۲هزار کودک به فرزندخواندگی سپرده می‌شوند؛ درحالی‌که هم‌اکنون بیش از ۲هزار خانواده در فرایند فرزندخواندگی به‌سر می‌برند، یعنی در ازای هر کودک قابل‌واگذاری برای فرزندخواندگی بیش از ۱۵خانواده اعلام آمادگی کرده‌اند. بابایی می‌گوید: «موضوع زمانی جالب‌تر می‌شود که حدود ۶۵درصد خانواده‌ها، متقاضی کودکان زیر ۲سال هستند؛ بنابراین میزان تراکم تقاضا در این سن به‌مراتب بالاتر هم می‌رود. ماچرا اما برای کودکان دارای معلولیت یا نیازمند درمان به‌این صورت نیست؟» این مسئول در بهزیستی با اعلام اینکه در ۱۰سال اخیر، حدود ۵۰۰کودک دارای معلولیت یا نیازمند درمان به فرزندخواندگی سپرده شده‌اند، می‌گوید: «هم‌اکنون حدود هزار کودک و نوجوان دارای معلولیت یا نیازمند درمان در مراکز بهزیستی به‌سر می‌برند که بی‌سرپرست یا فاقد سرپرست مؤثرند، اما متقاضیان اندکی برای فرزندخواندگی آنها

نیاز اصلی این کودکان، توانبخشی است

با اینکه بر اهمیت حضور این کودکان در خانواده تأکید می‌شود اما

فرخنده میراحمدی، مسئول مشارکت مرکز خیریه رفیقه، مرکزی برای نگهداری از کودکان بی‌سرپرست دارای معلولیت ذهنی و جسمی، معتقد است که این فراخوان اشتباه است، چرا که این کودکان پیش از همه برای توانبخشی، نیاز به حمایت‌های مالی دارند. او به همشهری می‌گوید: «هنرینه‌های درمانی این کودکان با توجه به نوع معلولیت یا بیماری متفاوت است واز ۵میلیون تومان شروع می‌شود و گاهی به بالای ۱۰میلیون تومان می‌رسد. بهتر است بهزیستی فراخوان حمایت مالی از این کودکان داشته باشد، چرا که برخی از این کودکان نیازهای خاص دارند و باید از سوی متخصصان نگهداری شوند.» او می‌گوید: «۲۰سال در زمینه کودکان دارای معلولیت، فعالیت می‌کنم. حرف‌های دیگری هم می‌زند: «گاهی نوزاد از سوی مکانی

یاندکس در ایران جایگزین گوگل می‌شود

موتور جست‌وجوی یاندکس که سال‌ها در ایران

فیلتر بود،رفع فیلتر شد

۱۱



بسته خوش مالیاتی برای مدیریت شهری

رئیس کل سازمان امور مالیاتی بر ترعلمات باشورای

شهر تهران تأکید کرد

۱۲

دقت زیادی شود.» براساس اعلام بابایی، حدود ۲۰۰کودک سالانه به این تعداد افزوده می‌شود که اگر متقاضیانی داشته باشند می‌توانند به سرعت وارد خانواده شوند.

بافراخوان مشکلی حل نمی‌شود

بااینکه فراخوان سازمان بهزیستی برای به سرپرستی گرفتن کودکان دارای معلولیت و بیمار، از نظر امید عابدشاهی که در زمینه شناسایی خانواده‌های مناسب برای این کودکان فعالیت می‌کند، قابل توجه است، اما او معتقد است که به‌جای فراخوان بهتر بود کار به گروه‌های مردمی سپرده می‌شد؛ چراکه این فراخوان‌ها این تصور را ایجاد می‌کنند که بهزیستی دیگر نمی‌تواند با وضعیت اسفناکی است؛ درحالی‌که اینطور هیچ‌کس این کودکان را نمی‌خواهد؛ درحالی‌که با اطلاع‌رسانی علمی و پزشکی می‌توان خانواده‌ها را آگاه کرد. فراخوان بدون اطلاع‌رسانی بی‌فایده است. بهتر است اقدامات به‌صورت حرکت‌های مردمی پیگیری شود.

نباید این کودکان را از روی ترحم به سرپرستی گرفت

خانواده‌هایی که این کودکان را به سرپرستی می‌گیرند ممکن است خودشان هم فرزندی داشته باشند و به‌گفته عابدشاهی، اغلب خانواده‌های معمولی هستند که مسئولیت‌پذیری بالاتری نسبت به سایر خانواده‌ها دارند؛ فرزندخواندگی کودکان دارای معلولیت یا بیمار، ارتباط زیادی در ابتدا انسان هستند و نیاز به حمایت‌های عاطفی دارند. در بهزیستی نمی‌توان انتظار این حمایت‌ها را داشت. آنها از یک طرف خانواده‌های دارند و از طرف دیگر، دارای معلولیت و بیماری هستند و این مسئله، مشکل‌شان را دوچندان کرده است؛ به همین دلیل از سال ۹۳، این گروه تشکیل شد و با همکاری بهزیستی برای کودکانی که به‌دلیل معلولیت یا بیماری، متقاضی ندارند، پدر و مادر پیدا می‌کند.» عابدشاهی می‌گوید: «ما در این ۸سال فعالیت، بیش از ۱۵۰کودک را به خانواده‌ها واگذار کرده‌ایم. بااینکه فعالیت این گروه در مشهد شروع شد، اما خانواده‌ها در شهرهای مختلف هستند و تنها به مشهد محدود نشده‌اند.» او می‌گوید که بهزیستی باید در شهرهای مختلف مستند و این مسئله، مشکل‌شان را محدودتر کند.» او می‌گوید که بهزیستی باید همکاری بیشتری با آنها داشته باشد: «ما انتظار حمایت‌های بیشتری از بهزیستی داشتیم، بارها تقاضای ملاقات با رئیس سازمان را داشتیم، اما

مانند شیر خوار گاه آهمنه به خانواده‌ها سپرده می‌شود، اما پس از چند ماه مشخص می‌شود که نوزاد دارای معلولیت است، مثلاً ناشنواست یا معلولیت ذهنی دارد. خیلی از خانواده‌ها پس از اینکه مشخص می‌شود نوزاد معلولیت دارد، او را بازمی‌گردانند. حتی موردی بود که نوزاد را با خریدهایی که برای سیسمونی‌اش کرده بودند بازگردانند.»

به‌گفته میراحمدی در مرکز رفیقه، نزدیک به ۶۵میلیون تومان برای ۱۵کودک، تجهیزات توانبخشی خریداری شد، برای یکی از نوزادان دستگاهی به قیمت ۸۵میلیون تومان خریده شد. اینها با کمک خیران امکان پذیر است. در کشورهای دیگر، برای کودک دارای معلولیت، امکانات خاصی در نظر گرفته می‌شود. خانه برایش مناسب‌سازی می‌شود، پرستاری در روز برای مراقبت از کودک، به خانه فرستاده می‌شود و حتی برای مادر بخاطر نگهداری از این کودک، حقوق در نظر گرفته می‌شود. اما در ایران این شرایط وجود ندارد و خیلی از خانواده‌ها برای نگهداری از این کودکان با مشکل مواجه می‌شوند.

خلاصه گزارش

نگاه

بیژن باور

پژوهشگر مدیریت بحران

مدیریت ریسک و تعادل آبی

برخی از ویژگی‌ها یا عواملی که غیرقابل کنترل است، مانند افزایش دما، تبخیر زیاد، تغییرات اقلیمی و نمونه‌های مشابه در کنار عوامل قابل کنترل مانند سوءمدیریت منابع آبی کشور به‌صورت هوشمند، هدر رفت آب قابل شرب در مصارف غیرشرب مثل شست‌وشو و موارد مشابه، استفاده از روش‌های قدیمی و سنتی وی‌بتوجهی به صرفه‌جویی در مصرف آب در شرایط کم‌آبی کشور، استفاده نکردن از فناوری‌های نوین در مدیریت منابع آب، با توجه به فرار گرفتن ایران در محدوده خشک و نیمه‌خشک، می‌تواند برای کشور وضعیت بحرانی ایجاد کند.

برای اینکه تا حدودی بتوانیم مشکل پیش‌رو را بهتر درک کنیم باید بدانیم که هم‌اکنون مصرف آب در کلانشهر تهران تقریباً حدود ۴لیتر در ثانیه است که با اندک تحقیقی متوجه می‌شویم که از یک طرف برنامه مصرف آب شهروندان از الگوی استاندارد، مناسب و برنامه‌ریزی شده‌ای تبعیت نمی‌کند و از طرف دیگر، تبلیغات و فرهنگسازی سازمان‌ها و دستگاه‌های مسئول به اندازه کافی نیست و دقت و تأثیرگذاری لازم را ندارد. مشکل کمبود آب در تابستان امسال بسیار جدی است تا حدی که می‌تواند منجر به یک بحران شود و در زمانی که ممکن است بیماری ناشی از ویروس کرونا هم در حال اوج‌گیری باشد، شرایط را دشوار و غیرقابل‌پیش‌بینی کند. از این‌رو برای اینکه دچار چنین مشکلی نشویم به‌منظر می‌رسد بهتر است شهروندان از همین حالا صرفه‌جویی‌های لازم را مدنظر قرار داده و مسئولان هم اطلاع‌رسانی و فرهنگسازی فشرده‌ای را در پیش بگیرند تا بتوان از شرایط بحرانی احتمالی خارج شد. اگر صرفه‌جویی نکنیم با مشکلاتی روبه‌رو خواهیم بود که از جمله آن می‌توان به قطعی آب شرب، نبود امکان کشت محصولات آب‌پسند و نیازمند آب زیاد و آب مجازی قابل‌ملاحظه، کمبود آب شرب دام و نمونه‌های مشابه اشاره کرد.

یکی از نکات قابل‌توجه این است که بسیاری از محصولات آب‌پسند و نیازمند آب مجازی در حجم بالا، غیرمتعارف و غیرراهبردی، باید با محصولات جایگزین شود و در کنار آن تمهیدات دقیق برای آبخوان و آبخیزداری برنامه‌ریزی شده و به‌طور مستمر پایش شود. همچنین مدیریت ریسک با توجه به سایر مخاطرات از جمله طرح توسعه منابع آب ترکیه و نمونه‌های مشابه هم حتماً در نظر گرفته شده و مدنظر قرار گیرد.

مدتی است چهره آسمان برخی از استان‌های کشور غبار آلود است. هر چند این غبار‌ها یا به‌اصطلاح تخصصی‌تر «بیزگردها» موئقی و فصلی به‌منظر می‌رسند، اما تبعات مختلف محیط‌زیستی، سلامتی و بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و نمونه‌های مشابه آن عقیق است. آب یکی از نیازهای اصلی بشر است که حیات به آن بستگی دارد، چه به‌صورت مستقیم برای مصارف آشامیدن و چه به‌صورت غیر مستقیم، یعنی برای بخش کشاورزی، صنعتی و نمونه‌های مشابه دارای اهمیت حیاتی، راهبردی و استراتژیک است.

ساخت‌وسه‌های جدید در کشورهای همسایه از جمله ترکیه هر چند مشکلات آنها را در تأمین آب، پیش از حد نیازشان حل کرده‌اما باعث بروز مشکلات اساسی به‌طور مستقیم یعنی خشک شدن اراضی کشاورزی در رسوب‌به و عراق شده و به‌طور غیر مستقیم ریزگردها و بسیاری از مشکلات دیگر که دارای تبعات مختلفی است را در ایران و کشورهای همسایه به‌دنبال داشته است. در خصوص مشکلات داخلی می‌توان به برداشت بیش از حد از منابع آب‌های زیرزمینی، نبود آبخوانداری و آبخیزداری مناسب، مدیریت نامناسب منابع آب و نمونه‌های دیگر اشاره کرد.

استفاده می‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی منجر به تهی شدن سفره آب‌های زیرزمینی و به تبع آن منجر به فرورفتن زمین در اطراف کلانشهرها شده است. نبود فاصله زمانی مناسب برای پر شدن و تمدید این ذخایر و نمونه‌های دیگر، شانسگر اهمیت موضوع و حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت منابع آب است که کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد.

نیاز یکی از دلایل ادامه‌ناستمرار چنین مشکلاتی نبود یک سیستم یکپارچه مدیریت و فرماندهی واحد در خصوص برنامه‌ریزی و مدیریت آب در ستاد و صف باشد. شاید اگر برنامه‌ریزی را ایجاد تعادل بین منابع دالما در حال کاهش و نیازهای دالما در حال افزایش تعریف کنیم، ابعاد مهم‌تری از برنامه‌ریزی و مدیریت آب روشن می‌شود. تعادل برنامه‌ریزی، از یک طرف منابع محدود و روند نزولی داشته و از طرف دیگر نیازها گویزندی می‌کند که نیاز به تأمین

فرخنده میراحمدی،

مسئول مشارکت مرکز

خیریه رفیقه؛

هنرینه‌های درمانی این

کودکان با توجه به نوع

معلولیت یا بیماری

متفاوت است و از ۵

میلیون تومان شروع

می‌شود و گاهی به

بالای ۱۰ میلیون تومان

می‌رسد، بهتر است

بهزیستی فراخوان

حمایت مالی از این

کودکان داشته باشد،

چرا که برخی از این

کودکان نیازهای خاص

دارند و باید از سوی

متخصصان نگهداری

شوند